

جلسه روز یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۰۱ (۴ مارچ ۱۹۲۳، ۱۶ رجب ۱۳۴۱)

البته آقایان تصدیق می فرمایند که دستور مشی دولت یعنی پروگرام با یک لایحه ی قانونی فرق دارد. و این را برای این عرض می کنم که اگر در پروگرام یک مذاکرات مفصلی بشود به جای خود می شود. من کسالت دارم و شاید نتوانم مطالب خود را کاملاً به عرض برسانم. ولیکن حد المقدور سعی می کنم که مطالب خود را کاملاً به عرض برسانم و بایستی مذاکراتی که متعلق به اساس سیاست و عملیات یک دولتی است در پروگرام مشروحاً ذکر شود. البته همه می دانند که از بدو تاسیس دولت حاضر، بنده و یک جماعتی از آقایان اظهار موافقت نکردیم.

-صحیح است.

و- شاید بعضی از این مسئله ملول باشند. ولی تا این ساعت به وظیفه ی وکالتی خود عمل کرده ام و علت عدم موافقت این بوده است که موافقت با شخص رئیس دولت به ملاحظه ی سانس نبودن شخص رئیس دولت است، والا هیچ شبهه نیست که آقای رئیس الوزرای حالیه، آقای مستوفی الممالک، از اشخاص خوب و صالح و خدمتگزار این مملکت هستند.

- صحیح است.

-خوبی شخص غیر از سانس بودن آن است. هر شخصی، هر وکیل، نسبت به دولت، پارلمان نسبت به دولت، من نسبت به دولت، باید یک ماده ی اجتماعی داشته باشیم. در سیاست وقتی که با یک دولتی ماده ی اجتماعی سیاسی عملی داریم، تکلیف ما است که با او موافقت کرده و از او نگهداری کنیم. موافقتی که تعبیر می شود به ورقه ی سفید. و مکرر عرض کرده ام و از این عقیده هم منصرف نمی شوم که هر دولتی که بخواهد در مملکت کار کند بایستی با ورقه ی سفید بیاید و با ورقه ی آبی برود. اگر کسی واقعاً شخصی شد عادی در سیاست یا جاهل در سیاست یا غیر ملتفت در سیاست یا شکاک در سیاست، ممکن است ممتنع باشد. مثل ما که به دولت جدید از اول ممتنع بوده ایم. علت هم این بوده است که بنده و عده ای از آقایان، قبل از معرفی رئیس الوزرا سیاستی نگذاشته بودیم. به خلاف دولت هایی که قبل از اینکه داخل این عنوان بشوند، اساس سیاستی گذارده بودیم. پس قصوری متوجه ما نیست. و بایستی همین قسم کرده باشیم. البته همه ی وکلا همین قسم اند. همه خوب، همه چیز فهم هستند. و علی الخصوص اشخاصی که تشریف دارند. ولی بنده در این شهر شما و مملکت شما معتقد به سیاست هیچ یک از رجال شما نیستم و هیچ رجلی را سراغ ندارم که از خودم بالاتر باشد. می شود جمل مرکب باشد، می شود مطابق با واقع باشد. یکی از نمایندگان: تصور می رود که قسمت اولی باشد.

و- مقلد سیاست هیچ یک از رجال نیست. و هیچ رجلی از رجال مملکت، چه اروپا رفته و چه نرفته را ندیده ام که دماغش بالاتر از دماغ خود باشد. می شود جمل مرکب؟ اما انشاءالله نیست. و چون بنده و رفقای خود جنبه ی موافقتی نداشته ایم لذا به امتناع خود باقی مانده ایم تا امروز که پروگرام دولت مطرح است. و از امروز به بعد با دلیل یکی از دو جنبه موافقت یا مخالفت معلوم و معین می شود. اما اگر بفرمایید آقایان که رئیس الوزرای حالیه با سوابقی که دارند و با سوابق اینکه رشته سیاست در دستشان بوده است، شما را هدایت کرده باشند به اینکه موافقت کرده و ساکت و ممتنع نباشید. همان عرضی را می کنم که در اتاق تنفس کردم. در اول دوره ای که ما رجالی داریم همه شان خوب هستند، برای موقعی مناسب است. بعضی شمشیر برنده هستند برای موقعی، بعضی هم شمشیر مرصع هستند برای موقعی. کلام بر سر توافق سیاست است. آقایانی که در دوره سوم تشریف داشتند می دانند که در دوره ی سوم پارلمان، رئیس دولت حالیه رشته ی سیاست مملکت را در دست داشتند. با یک پروگرام مشتمل بر ۲۲ ماده که تمام آن ها عملی بود. اگر چه عمر آن پارلمان دوامی نکرد و با اقدامات مجدانه ی بنده و شاهزاده سلیمان میرزا جوانمرگ شد.

-خنده ی حضار

-ولیکن آن پروگرام عملی بود. زیرا از ۲۲ ماده ۱۵ ماده ی اولش لوایح بودند که اگر شاهزاده خاطرشان باشد، ماده ی اولش قانون سنا و شورای دولتی بود که اوقاتشان را تلخ کرده بود.

- خنده ی حضار

- اما سنایش مثل حالا در مکه است و شورای دولتی را هم این دوره تقریباً گذرانده و تمام لوایحی که فعلاً مطرح یا از مجلس گذشته است جزو آن پروگرام بود، و خیلی مطالب عملی و آسان و سهلی بود که بدبختانه موفق به گذراندن و تهیه ی آنها نشد. یک لایحه ی آن که به خاطر هست لایحه ی سربازگیری بود، به ترتیب آنجا که مذاکره شد، که حالا عوضی را انشاءالله در ضمن این پروگرام درست کرده اند. اما ۷ ماده ی آن عملی بود و دخلی به لوایح نداشت. مثل احضار قشون در تهران و غیره. یکی دو تا هم عملی بود که عمل کردیم. و حقیقتاً با هم کردیم. تقصیر را به گردن دولت نمی اندازم. با هم کردیم. یکی از آن دو ماده که عمل کردیم، استحکام اساس ژاندارمری بود که به جدیت من و شاهزاده سلیمان میرزا ریشه اش کنده شد.

- خنده ی طولانی حضار

- یکی دیگر هم الغاء قانون ۲۳ جوزا بود. در هر صورت توقف و امساک بنده به جهت امروز بوده است، ببینم اگر مطالب عملی است موافقت و کلام بر سر توافق در سیاست است. و باید مذاکره کرد. و دیدم که پروگرام حالیه فقط با سیاست اکثریت موافق است که اظهار موافقت کرده اند. یا رای موافقت من هم کافی است. اگر من با دلایل تصریح کرده ام و آقایان هم استماع نموده اند و دیدند که توافق سیاسی است، و به عقیده ی من هر کس دید موافقت سیاسی هست و نفهمید و مساعدت با دولت نکند، اول خائن به مملکت و دیانت و هر چه متعلق به دولت ایران است خواهد بود. در پروگرام ها یک موادی هست که برای زینت نوشته می شود، و حالا می خواهید زینت بگویید، می خواهید مرام بگویید. مثلاً به عقیده ی من روابط حسنه داشتن با دنیا کدام است و بایستی درش صحبت کرد. البته روابط با

تمام دول باید حسنه باشد. اما حسنه چیست؟ نسبت به همسایه ها، نسبت به غیر همسایه ها، نسبت به دولت شمال، نسبت به دولت جنوب. این نسبت ها را هم من می دانم و هم شما. اما در پروگرام باید نوشت روابط حسنه تا چه اندازه و به چه نسبت. من هم روابط حسنه دارم با تمام دنیا. من هم حسن هستم؛ آقای رئیس الوزرا هم حسن است. اما این حسن با آن حسن خیلی تفاوت دارد. من روابط حسنه با دولت انگلیس دارم، با دولت روس دارم، تازگی ها با دولت آمریکا دارم. اما این روابط حسنه خیلی تفاوت دارد.

-خنده ی حضار

-و این ها مرام است. و من نمی توانم با این لفظ قانع شوم. من باید حسن را در ترازو بسنجم و ببینم. سبکی و سنگینی آنها را ببینم به اندازه ی خودش هست یا کم است یا زیاد است. اما در مرام نامه و پروگرام همین قسم باید بنویسد. اما من نمی توانم این حسن ها را قائل شوم. من بایستی این ها را بسنجم و تا آن میزان را نفهمم قانع شوم. عرض کردم که این پروگرام و دستور مشتمل بر ۷ ماده است. چند عدد از این مواد زینت است. البته ما باید در توسعه معارف بکوشیم. ولی ۱۵ سالی است که می خواهیم در توسعه معارف کوشش کنیم. و اگر در این چند سال، هر روزی یک مقدار توسعه داده بودیم، حالا تمام دنیا را گرفته بود. اما بدبختانه، ما هر چه توسعه دادیم آن تنگ تر شد.

-خنده ی حضار

-اصلاح قوه قضائیه و غیر آن هم به علت، همین قدر همیشه اصلاح کردیم و همیشه اسباب زحمت مردم فراهم شده است. پس مقصود این است که این قبیل مواد، البته چندان مورد بحث نیست. اما آمدم سر مواد عملی پروگرام و مقدمات آن. در مقدمه سایر پروگرام ها نوشته اند که ممکن الحصول است. در اینجا نوشته شده است پر دور و دراز نیست. و نمی دانم مقصود خود پروگرام است یا خط آهن.

-خنده ی حضار

-بنده عرض می کنم که غیر از دو فقره که در این لایحه است عملی نیست. آن هم به شرایطی که أنا من شروطها، و یکی از شروط هم آقای وزیر جنگ است. غیر از دو ماده، عملی نیست. در مقدمه پروگرام می نویسند موازنه واردات و صادرات. این مسئله هم چیزی نیست. چیز سبلی است، فقط ۸ کرویر کسر صادرات است.

-خنده ی حضار

-این را باید توضیح داد که چه طریقی برای موازنه صادرات و واردات اتخاذ شده است. آنکه آقای وزیر مالیه پولی زیر سر داشته باشد که خواب هم ندیده باشیم. مسئله دیگر دادن حقوق و طلب های متعلق به دولت است. این مسئله را باید حمل به اخلاقی کرد، والا نه طلب های دولت گرفته شده و می شود، نه بدهی های دولت داده می شود. حالا اگر سه چهار فقره مثل آقای اسدالدوله و صمصام السلطنه باشند که طلبشان داده شود، آن امر علیحده ایست. و بایستی این را دید که از کجا نظر دارند بپردازند.

یکی مسئله راه آهن است. اول طریق نجات این مملکت سیاست اقتصادی است. و کسی که هدایت کند ما را به راه آهن، نه مثل آقای معتمد السلطنه که از حرفش خوششان می آید.

-خنده ی حضار

-لایب مسافری اروپا راه آهن را دیده اند. راه آهن راهی است که روی زمین درست کرده اند و روی آن اتاق هایی است که حرکت می کند.

-خنده ی حضار

-حرف راه آهن نیست. یک قدم برداشتن در این راه با شروطش اول نجات ما است و هر کس این قدم را برداشت باید شکلش را محترم شمرد و ثبت تاریخ کرد. ولی باید توضیح داد که از چه راهی این را از نظر گرفته اند.

مخبر السلطنه: شاید صلاح نباشد.

-ما موافقت می کنیم. به ما بگویند، ما هم موافقت می کنیم. لفظ راه آهن پروگرام نیست. عمل راه آهن پروگرام است. و بایستی بگویند که از چه راه در نظر دارند. یکی هم اعاشه و اعمار نقاط مخروبه است. واقعا در این جنگ عمومی و اختلافات و قحطی، ما خیلی فقرا داریم. خیلی خانواده ها بی سرپرست شده اند. حالا در لفظ اعمار که صحیح است یا سقیم حرفی نداریم. باید مراجعه به قاموس کرد. اما تعمیر و اعاشه نقاط مخروبه از امور لازمه است. اول باید توضیح دهند و طریقه آن را بگویند که بفهمیم از چه راه است تا موافقت حاصل شود.

خوب شما می گویند که من همه را اشکال کردم. پس چه چیز خوب است. من اگر جای آقای سپهدار اعظم یا مصباح دیوان که مشاوره شد بودند بودم می گفتم چه چیز خوب است. می گفتم: اجرای قانون ممیزی، شورای دولتی، محاکمه وزرا، قانون استخدام. این ها مواد عملی است و کار کوچکی نیست. عرض کردم دو ماده این پروگرام عملی است. همه آقایان و کلا می خواهند، عموم موکلین هم می خواهند. ممکن هم هست. یکی مسئله نفت است که شور اولش شده. شور دوم هم اگر دولت مساعدت بنماید خواهد گذشت. یک مسئله دیگر که عملی است مسئله سربازگیری است. حفظ حدود و ثغور ممالک اسلامی وظیفه ی هر شخص مسلمانی است و تمام دنیا از ما گرفته اند. و حالا ما در دنبال همه مانده ایم. و اول روز سعادت مملکت روزی خواهد بود که دست به این کار زده شود. و من امیدوارم که به همت نمایندگان محترم، دولت حالیه، و آقای وزیر جنگ این قدم برداشته شود. و این اثر از ایشان بماند که صد مرتبه اثرش بیشتر از اثری است که در میدان مانده است. ولی چون من شاید در آن وقت مرده باشم عرض می کنم باید این مسئله را به اهلس رجوع کرد که مثل من باشند. و مطلع به قوانین اسلام باشند.

مقصود این است که قسمت عملی پروگرام این بود. و قسمت زینت ها هم آنهایی که ذکر شد. خوب است قسمت هایی که آقایان می گویند عملی است توضیح دهند عملی بودنش را. والا تنقید پروگرام از نقطه نظر پارلمانی نیست، از نقطه نظر سیاسی است. حالا، هذا میدان، هذا من، هذا شما.

عده ای از نمایندگان: احسنت، احسنت.